

## فرایند تاریخی اندیشه ولایت فقیه

حجة الاسلام رحمان ستایش

آیا اندیشه ولایت فقیه نتیجه فرایند تاریخی فقه شیعه است؟ این فرآیند تا چه حد معطوف به مبانی فکری فقهای امامیه می باشد؟

درباره زادگاه بحث «حکومت در اسلام»، آنچه از بررسی مبانی اسلام به دست می آید حاکی از آن است که ولایت ظرفی برای فقه است، یعنی ابتدا ولایت تحقق پیدا کرده و وجود یافته، سپس فقه در آن ظرف، رشد و نمو کرده است. توضیح آن که پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی در آن جا، برخورد پیامبر (ص) و اصحابشان با مسائل اجتماعی و سیاسی موجب شد یک نظام داخلی به عنوان «نظام ولایی» شکل بگیرد. البته در آن موقع، این نظام شکل ابتدایی خود را داشت و نیازمند قانون، اصول و مبانی حقوق بود که به تدریج، در طی زمان پدید آمد؛ آنچه را ما امروزه «فقه» می نامیم. اما پیش از این دوران، چون این نیازها وجود نداشت، این نظام نیز مطرح نبود. به همین دلیل، در آیاتی که پیش از هجرت بر پیامبر (ص) نازل شده است، احکام و مسائلی که مردم به صورت روزمره به آنها احتیاج دارند بیان نشده و بیشتر مسائل اعتقادی و کلامی ذکر گردیده است؛ همچون مسائلی درباره ایمان به آخرت و ثواب. پس از مطرح شدن مساله ولایت و حکومت و ملموس تر شدن نیاز به احکام و مسائل خاص آن، فقه تحقق پیدا کرد. از این زمان به بعد هم هیچ گاه تا کنون فقه از ولایت جدا نشده است. بلکه به عکس، در عصر خلفای پس از پیامبر (ص)، این رابطه مورد نظر خاص بود، از جمله شروطی را هم که مردم برای جانشینی پیامبر (ص) به صورت تلویحی به آن اشاره داشتند، آشنایی خلیفه با فقه و همراهی ولایت با فقه بود. این وضع تا زمان امام صادق (ع) ادامه داشت.

در عصر امام صادق (ع) که امید به بازگشت ولایت به مسیر اصلی خودش از بین رفت، ایشان مساله مقبوله عمر بن حنظله را مطرح کردند. بدین روی، ولایت مشروع به فقیه سپرده و او حاکم دانسته شد و مردم به او ارجاع گردیدند تا حکومت ظاهری خلفای جور را به رسمیت نشناسند و مشکلات خود را توسط فقها حل کنند. در واقع، امام صادق (ع) با این کار، ولایت را از مسیر معروف و ظاهری اش به صورت ولایت شخص فقیه درآوردند. از این زمان تا پایان عصر حضور ائمه هدا (ع) در بین مردم، متشرعان در فکر این

بودند که فقهای شیعه را شناسایی کنند و آنها را مرجع خود قرار دهند. این همان چیزی است که ما آن را «ولایت فقیه» می‌نامیم، اگر چه در گذشته به این نام خوانده نمی‌شد.

در عصر غیبت، این نیاز بیشتر احساس شد، ائمه اهل بیت (ع) در میان مردم حضور نداشتند و حاکمان جور در راس امور بودند. بنابراین، تنها راهی که مردم داشتند مراجعه به فقها بود. از آن تاریخ به بعد، با مساله «ولایت فقیه» برخوردهای مختلفی شده است. شاید بتوان گفت اولین کسی که کتاب فقهی اش به دست ما رسیده است و می‌توان از آراء و اقوال او یک نظریه سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه برای اسلام درست کرد مرحوم شیخ مفید است. پس از ایشان نیز شاگردانش و دیگر فقها در زمان های بعدی به این مساله توجه کردند. اما نکته اساسی در باره فقهای عصر او این است که آنچه بیشتر مورد نظر آنان قرار داشت مبارزه منفی با حاکمان جور زمان و مساله قضاوت غیر شیعی بود. به همین دلیل، فقهای آن عصر، بیشتر لسان نفی را به کار برده و سعی نموده اند به شکلی، با حکومت های زمان خود مبارزه کنند. از این رو، جهات اثباتی در کلمات آنان کمتر دیده می‌شود.

این سیر ادامه داشت تا آن که حکومتی شیعی پا گرفت و آمال شیعه تحقق پیدا کرد. بنابراین، در عصر حکومت شیعی صفویه، فقهای ممتازی همچون محقق ثانی به این مساله توجه خاص نشان دادند و علاوه بر جهات نفی، به جهات اثباتی مساله هم پرداختند، این سیر تا زمان مرحوم نراقی ادامه داشت.

### چه تعاملی بین اندیشه ولایت فقیه و ساخت سیاسی جمهوری اسلامی ایران برقرار شد؟

این تعامل حاصل چند فرایند است؛ یکی از آنها رهبری حضرت امام خمینی است. ایشان با اندیشه های بلند خود و در زمانی طولانی، اندیشه ولایت فقیه را که برگرفته از اصل فقه بود، به گونه ای قابل تطبیق با عصر حاضر بیان کردند. این موضوع با تقیدی که مردم ایران نسبت به امامت و ولایت خاص داشتند، پیوندی به وجود آورد که به پدید آمدن ساختار نظام جمهوری اسلامی منجر شد.

از سوی دیگر، پیشرفت هایی که در جهان معاصر صورت گرفته و از جمله در نظام های سیاسی جهان، مساله «جمهوریت» مطرح شده است، این موضوع با علاقه مردم ایران سبب به اسلامیت نظام تلاقی پیدا کرد و ساختاری جدید پدید آورد.

اما نکته مهم آن است که این ساختار چیزی نیست که بتوان گفت تماما از اسلام گرفته شده است - با هر قرائتی که مورد نظر داشته باشیم - بلکه با تفسیر خاصی که به مردم ارائه شده بود، و سخنانی که حضرت امام برای مردم فرمودند و دورنمایی که اصحاب ایشان ترسیم کردند، مردم به آن رای مثبت دادند. این نظام ترکیبی است از جمهوریت و اسلامیت؛ «جمهوری» ساختار سیاسی معروفی است که در عصر حاضر، در بسیاری از نظام های سیاسی جهان مطرح است و اسلامیت آن در پی تامین اهداف اسلام می باشد. مورد نظر حضرت امام همین بود، نه قرائت های غیر اسلامی که ممکن است وجود داشته باشد. آنچه را هم مردم به آن رای مثبت دادند «جمهوری اسلامی» بود، نه هر نوع حکومتی، هر چند تسامحا اسلامی تلقی شود.